

فرسان شالی	روزنامه خراسان شمالی روزنامه سیاسی-فرهنگی، اجتماعی خراسان شمالی چهارشنبه ۲۳ مهر ۱۴۰۵ جمادی الاول ۱۴۲۸، ۱۲ اکتبر ۲۰۲۶ شماره ۴۶۸۳	صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری خراسان مدیر مسئول: حامد رحیم پور دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید سادقی (سازمان آب) پلاک: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ: شهر چاپ خراسان	صندوق پستی: ۹۱۷۳۵-۵۱۱ تلفن: ۰۵۱-۳۷۶۳۲۰۰۰ نامبر دبیر خانه: ۰۵۱-۳۷۶۳۲۳۹۵ دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید سادقی (سازمان آب) پلاک: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ: شهر چاپ خراسان	آدرس: بخنود، خیابان امام خمینی(ره)، بین میدان فردوسی و جابر، جنب درمانگاه خاتم الانبیا(ع) تلفن: ۳۲۳۲۹۷۶۲ دفتر مرکزی: مشهد، بلوار شهید سادقی (سازمان آب) پلاک: ۲۰۰۰۹۹۹ چاپ: شهر چاپ خراسان
-------------------	---	--	---	---

جامعه

واکاوی یک دیدار تاریخی با موضوع تمدنی

بازخوانی بیانات قائد شهید انقلاب با موضوع تمدن نوین اسلامی در دیدار جوانان خراسان شمالی



ها تحمیل کنند. امروز مظهر کامل و تنها مظهر این زور گوویی و تحمیل، تمدن غربی است. نه این که ما بنای دشمنی با غرب و ستیزه‌گری با غرب داشته باشیم – این حرف، ناشی از بررسی است – ستیزه‌گری و دشمنی احساساتی نیست. بعضی به مجرد این که اسم غرب و تمدن غرب و شیوه‌های غرب و توطئه غرب و دشمنی غرب می‌آید، حمل می‌کنند بر غرب‌ستیزی؛ آقا، شماها با غرب دشمنید. نه، ما با غرب پدر کشتگی آن چنانی نداریم – البته پدر کشتگی داریم! – غرض نداریم. این حرف، بررسی شده است.

فرهنگ غرب، فرهنگ نابود کننده فرهنگ هاست

تقلید از غرب برای کشورهایی که این تقلید را برای خودشان روا دانستند و عمل کردند، جز ضرر و فاجعه به بار نیاورده؛ حتی آن کشورهایی که به ظاهر به صنعتی و اختراعی و ثروتی هم رسیدند، اما مقلد بودند. علت این است که فرهنگ غرب، یک فرهنگ مهاجم است. فرهنگ غرب، فرهنگ نابود کنندهی فرهنگ هاست. هر جا غربی‌ها وارد شدند، فرهنگ‌های بومی را نابود کردند، بنیان‌های اساسی اجتماعی را از بین بردند؛ تا آن جایی که توانستند، تاریخ ملت‌ها را تغییر دادند، زبان آن‌ها را تغییر دادند، خط آن‌ها را تغییر دادند.

هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی

هر جا انگلیس‌ها وارد شدند، زبان مردم بومی را تبدیل کردند به انگلیسی؛ اگر زبان رقیبی وجود داشت، آن را از بین برند. در شیقاوه هند، زبان فارسی چند قرن زبان رسمی بود؛ تمام نوشتجات، مکاتبات دستگاه‌های حکومتی، دولتی، مردم، دانشوران، مدارس عده، شخصیت‌های برجسته، با زبان فارسی انجام می‌گرفت. انگلیس‌ها آمدند زبان فارسی را با زور در هند ممنوع کردند، زبان انگلیسی را رایج کردند. شیقاوه هند که یکی از کانون‌های زبان فارسی بوده، امروز در آن زبان‌های فارسی غریب است؛ اما زبان انگلیسی، زبان دیوانی است؛ مکاتبات دولتی با انگلیسی است، حرف‌زن غالب زبان انگلیستان با انگلیسی است – باید انگلیسی حرف بزنند – این تحمیل شده. در همه کشورهایی که انگلیس‌ها در دوران استعمار در آن‌ جا حضور داشتند، این اتفاق افتاده است؛ تحمیل شده است.

فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌ز دایی می‌کند

بعضی از وزرا و نخبگان سیاسی دستگاه پهلوی که جنبه فرهنگی داشتند، این‌ها عامل غرب بودند برای دگرگون کردن فرهنگ کشورمان؛ و هر چه توانستند، کردند؛ یک مقوله‌اش مسئله کشف حجاب بود، یک مقوله‌اش فشار بر روحانیون و زودون حضور روحانیون از کشور بود، و مقولات دیگر و دیگری که در دوران رضاخان پهلوی دنبال می‌شد. فرهنگ غربی، فرهنگ مهاجم است؛ هر جا وارد شود، هویت‌زدایی می‌کند؛ هویت ملت‌ها را از بین می‌برد. فرهنگ غربی، ذهن‌ها را، فکر‌ها را مادی می‌کند، مادی می‌دهد؛ هدف زندگی می‌شود پول و ثروت؛ آرمان‌های بلند، آرمان‌های معنوی و تعالی روحی از ذهن‌ها زوده می‌شود. خصوصیت فرهنگ غربی این است.

یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است

یکی از خصوصیات فرهنگ غربی، عادی‌سازی گناه است؛ گناه‌های جنسی را عادی می‌کنند. امروز این وضعیت در خود غرب به فضاحت کشیده شده؛ اول در انگلیس، بعد هم در بعضی از کشورهای دیگر و آمریکا. این گناه بزرگ همجنس‌بازی شده یک ارزش! به فلان سیاستمدار اعتراض می‌کنند که چرا او با همجنس‌بازی مخالف است، یا با همجنس‌بازها مخالف است! ببینید انحطاط اخلاقی به کجا می‌رسد. این، فرهنگ غربی است. همچنین فروپاشی خانواده، گسترش مشروبات الکلی، گسترش مواد مخدر.

باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زد او ضد معنویت

فرهنگ غربی فقط هوپویم‌ا و وسایل آسایش زندگی و وسایل سرعت و سهولت نیست؛ این‌ها ظواهر فرهنگ غربی است، که تعیین‌کننده نیست؛ باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زد او ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین در درجه اول این است که از تقلید غربی پرهیز شود. ما متأسفانه در طول سال‌های متمادی، یک چیزهایی را عادت کرده‌ایم تقلید کنیم.

غربی‌ها از هنر برای ترویج فرهنگ غلط و منطح و هویت‌سوز حد اکثر استفاده را کرده‌اند

یکی از نکاتی که باید در مواجهه با دنیای غرب کاملاً به آن توجه داشت، عامل و ابزار هنری است که در اختیار غربی‌هاست. این‌ها از هنر حد اکثر استفاده را کرده‌اند برای ترویج این فرهنگ غلط و منطح و هویت‌سوز؛ به خصوص از هنرهای نمایشی، به خصوص از سینما حد اکثر استفاده را کرده‌اند. این‌ها به صورت پروژه‌ای یک ملت را تحت مطالعه قرار می‌دهند، نقاط ضعفش را پیدا می‌کنند، از روان‌شناس و جامعه‌شناس و مورخ و هنرمند و این‌ها استفاده می‌کنند، راه‌های تسلط بر این ملت را پیدا می‌کنند؛ بعد به فیلمساز، به فلان بنگاه‌هنری در هالیوود سفارش می‌کنند که بسازد و می‌سازد. بسیاری از فیلم‌هایی که برای ما‌ها و برای کشورهایی نظیر ما می‌سازند، از این قبیل است.



هیچ ملتی که داعیه تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند و تا امروز حرکت نکرده است. هیچ ملتی بدون دار بودن یک فکر و یک ایدئولوژی و یک مکتب نمیتواند تمدن‌سازی کند.

بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان، تمدن‌سازی امکان ندارد

همین‌هایی که امروز شما ملاحظه می‌کنید در دنیا تمدن مادی را به وجود آورده‌اند، این‌ها با ایدئولوژی وارد شدند؛ صریح هم گفتند؛ گفتند ما کمونیستیم، گفتند ما کاپیتالیستیم، گفتند ما به اقتضاد سرمایه‌داری اعتقاد داریم؛ مطرح کردند، به آن اعتقاد ورزیدند، دنبالش کار کردند؛ البته زحماتی هم متحمل شدند، هزینه‌ای هم بر دوش آن‌ها گذاشته شد. بدون داشتن یک مکتب، بدون داشتن یک فکر و یک ایمان وبدون تلاش برای آن و پرداختن هزینه‌های آن، تمدن‌سازی امکان ندارد.

برخی کشور ها مقلندند؛ این‌ها تمدن ساز نیستند

البته بعضی از کشورها مقلندند؛ از غرب، از سازندگان تمدن مادی یک چیزی را گرفته‌اند؛ زندگی خودشان را بر اساس آن شکل داده‌اند. بله، این‌ها ممکن است به یک پیشرفت‌هایی هم برسند، به یک پیشرفت‌های صوری و سطحی هم می‌رسند، اما مقلندند؛ این‌ها تمدن‌ساز نیستند، این‌ها بی‌ریشه و آسیب‌پذیرند؛ اگر چنانچه یک طوفانی به وجود بیاید، این‌ها از بین خواهند رفت؛ چون ریشه‌دار نیستند. علاوه بر این که کار آن‌ها تقلید است و تقلید پدیشان را در می‌آورد، برخی از منافع تمدن مادی غرب گیرشان می‌آید و بسیاری اش گیرشان نمی‌آید، اما همه زبان‌های‌ا‌ها گیرشان می‌آید.

امروز مشکلات تمدن غرب نمایان شده است

من نمی‌خواهم از کشور‌ها اسم بیاورم. بعضی از کشورها هستند که رشد اقتصادی آن‌ها به‌عنوان یک الگو، در گفتار و نوشتار برخی از روشنفکران ما مطرح می‌شود. بله، ممکن است آن‌ها به یک صنعتی هم دست پیدا کرده باشند، پیشرفتی هم در زمینه مادی یا در زمینه علم و صنعت کرده باشند، اما اولاً مقلندند؛ ذلت تقلید و فردوستی تقلید، روی پیشانی آن‌ها حک شده؛ علاوه بر این، همه آسیب‌های تمدن کنونی مادی غرب را آن‌ها دارند، ولی اکثر منافعش را ندارند. امروز این تمدن مادی غرب دارد نشان می‌دهد مشکلاتی را که برای بشریت و برای پیروان خودش به وجود آورده.

بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد

پس بدون مکتب و بدون ایدئولوژی نمی‌توان یک تمدن را به وجود آورد؛ احتیاج به ایمان است. این تمدن دارای علم خواهد بود، دارای صنعت هم خواهد بود، دارای پیشرفت هم خواهد بود؛ و این مکتب، هدایت‌کننده و اداره‌کننده همه این‌ها خواهد شد. آن‌ که مکتب توحید را مبنای کار خودش قرار می‌دهد، آن جامعه‌ای که به دنبال توحید حرکت می‌کند، همه این خبراتی را که متوقف بر تمدن‌سازی است، به دست خواهد آورد؛ یک تمدن بزرگ و عمیق و ریشه‌دار خواهد ساخت و فکر و فرهنگ خودش را در دنیا گسترش خواهد داد. بنابراین، این مطلب اول، که احتیاج به ایمان است. کشاندن جامعه به بی‌ایمانی؛ یکی از همان توطئه‌هایی است که دشمنان تمدن‌سازی اسلامی دنبال آن بوده‌اند و الان به شدت این را دارند دنبال می‌کنند.

باید بگوییم برخی‌بی‌اطلاعدند، تاریخ‌نخواندند

امروز در محیط‌های روشنفکری، کسانی هستند با شکل‌های گوناگون، با قدو قواره‌های گوناگون، این‌ها ما را از شعارهای مکتبی بر حذر می‌دارند؛ دوران اوج شعارهای مکتبی را که دهه ۶۰ است، زیر سؤال می‌برند؛ امروز هم از تکرار شعارهای مکتبی و شعارهای انقلابی و اسلامی، خودشان واهمه دارند و می‌خواهند در دل دیگران واهمه بیندازند؛ می‌گویند آقا، هزینه دارد، در درس دارد، تحریم دارد، تهدید دارد. نگاه خوشبینانه این است که بگوییم این‌ها تاریخ‌نخوانده‌اند – البته نگاه‌های بدبینانه هم وجود دارد – این‌ها اگر تاریخ‌خوانده بودند و اطلاع داشتند از سرگذشت و منشأ و مبدأ تمدن‌هایی که وجود دارد و همین تمدن مادی غرب که امروز می‌خواهد دنیا را فتح تصرف کند و این حرف را نمی‌زدند. باید بگوییم این‌ها بی‌اطلاعدند، تاریخ‌نخواندند.

در درجه اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است

پس در درجه اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است. این ایمان را ما معتقدین به اسلام، پیدا کرده‌ایم. ایمان ما، ایمان به اسلام است. در اخلاقیات اسلام، در آداب زندگی اسلامی، همه آن‌چه را که مورد نیاز ماست، می‌توانیم پیدا کنیم؛ باید این‌ها را محور بحث و تحقیق خودمان قرار دهیم. ما در فقه اسلامی و حقوق اسلامی زیاد کار کرده‌ایم؛ باید در اخلاق اسلامی و عقل عملی اسلامی هم یک کار بر حرحم و کابیفیتی انجام دهیم – حوزه‌ها مسئولیت دارند، دانشوران مسئولیت دارند، محققان و پژوهشگران مسئولیت دارند، دانشگاه‌ها مسئولیت دارد – آن‌را مبنای برنامه‌ریزی‌مان قرار دهیم، آن‌را در آموزش‌های خودمان وارد کنیم؛ این چیزی است که امروز ما به آن احتیاج داریم و باید دنبال کنیم.

ما برای ساختن این بخش[حقیقی] از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم

ما برای ساختن این بخش از تمدن نوین اسلامی، به شدت باید از تقلید پرهیز کنیم؛ ما برای کسانی که سعی دارند روش‌های زندگی و سبک و سلوک زندگی را به ملت

کنیم؛ فهرستی مطرح می‌کنیم: چرا فرهنگ کار جمعی در جامعه ما ضعیف است؟ این یک آسیب است. با این که کار جمعی را غربی‌ها به اسم خودشان ثبت کرده‌اند، اما اسلام خیلی قبل از این‌ها گفته است: تعاونوا علی البی و التّقوی (مائده: آیة ۲) یا: «واعتصموا بحبل الله جمیعاً»(آل عمران: آیة ۱۰۳) یعنی حتی اعتصام به حبل‌الله هم باید دسته‌جمعی باشد؛ و لا تفرّقوا»(آل عمران: آیة ۱۰۳). چرا در برخی از بخش‌های کشورمان طلاق زیاد است؟ چرا در برخی از بخش‌های کشورمان روی آوردن جوان‌ها به مواد مخدر زیاد است؟ چرا در روابط همسایگی‌مان رعایت‌های لازم را نمی‌کنیم؟

چرا مسله رحم در بین ما ضعیف است؟ چرا در زمینه فرهنگ رانندگی در خیابان، ما مردمان منظمی به‌طور کامل نیستیم؟ این آسیب است. رفت‌وآمد در خیابان، یکی از مسائل ماست؛ مسئله کوچکی هم نیست، مسئله اساسی است. آمار تپار نشینی چقدر برای ما ضرری است؟ چقدر درست است؟ چه اثرآمانی دارد که باید آن‌ها را رعایت کرد؟ چقدر آن الزامات را رعایت می‌کنیم؟ الگوی تفریح سالم چیست؟ نوع معماری در جامعه‌ما ضعیف است؟ ببینید چقدر این مسائل متنوع و فراگیر همه بخش‌های زندگی، داخل در این مقوله سبک زندگی است؛ در این بخش اصلی و حقیقی و واقعی تمدن، که رفتارهای ماست. چقدر نوع معماری کنونی ما متناسب با نیازهای ماست؟ چقدر عقلانی و منطقی است؟ طراحی لباسمان چطور؟ مسئله آرایش در بین مردان و زنان چطور؟ چقدر درست است؟ چقدر مفید است؟ آیا ما در بازار، در ادارات، در معاشرت‌های روزانه، به همدیگر به‌طور کامل راست می‌گوییم؟ در بین ما دروغ چقدر رواج دارد؟ چرا پشت سر یکدیگر حرف می‌زنیم؟ بعضی‌ها با داشتن توان کار، از کار می‌گریزند؛ علت کارگری چیست؟ در محیط اجتماعی، برخی‌ها در خاشاگری‌های بی‌مورد می‌کنند؛ علت پر خاشاگری و بی‌صبری و ناپردباری در میان بعضی از ما‌ها چیست؟ حقوق افراد را چقدر مراعات می‌کنیم؟ در سانه‌ها چقدر مراعات می‌شود؟ در اینترنت چقدر مراعات می‌شود؟ چقدر به قانون احترام می‌کنیم؟ علت قانون‌گریزی – که یک بیماری خطرناکی است – در برخی از مردم چیست؟ چقدر کاری در جامعه چقدر وجود دارد؟ انضباط اجتماعی در جامعه چقدر وجود دارد؟ محکم کاری در تولید چقدر وجود دارد؟ تولید کیفی در بخش‌های مختلف، چقدر مورد توجه و اهتمام است؟ چرا برخی از حرف‌های خوب، نظر‌های خوب، ایده‌های خوب، در حد رؤیا و حرف باقی می‌ماند؟ که دیدید اشاره کردند، چرا به ما می‌گویند که ساعات مفید کار در دستگاه‌های اداری ما کم است؟ هشت ساعت کار باید به قدر هشت ساعت فایده داشته باشد، چرا به قدر یک ساعت با نیم ساعت یا دو ساعت؟ مشکل کجاست؟ چرا در بین بسیاری از مردم ما مصرف‌گرایی رواج دارد؟ آیا مصرف‌گرایی افشکار است؟ مصرف‌گرایی یعنی این که ما هر چه گیر می‌آوریم، صرف اموری کنیم که جزو ضروریات زندگی ما نیست. چه کنیم که ریشه‌ریا در جامعه قطع شود؟ چه کنیم که حق همسر – حق زن، حق شوهر – حق فرزندان رعایت شود؟ چه کنیم که طلاق و فروپاشی خانواده، آن‌چنان که در غرب رایج است، در بین ما رواج پیدا نکند؟ چه کنیم که زن از جامعه ما، هم ارکشان که حفظ شود و عزت خانوادگی‌اش محفوظ بماند، هم بتواند وظایف اجتماعی‌اش را انجام دهد، هم حقوق اجتماعی و خانوادگی‌اش را محفوظ بماند؟ چه کنیم که زن مجبور نباشد بین این چند تا، یکی‌اش را انتخاب کند؟ این‌ها جزو مسائل اساسی ماست. حد زاده و ولد در جامعه ما چیست؟ من اشاره کرده‌ام؛ تصمیم‌زمان‌دار و نیاز به زمان و مقطعی را انتخاب کردیم، گرفتیم، بعد زمانش یادمان رفت، مثلاً فرض کنید به شما می‌گویند آقا این شرب‌آب را یک ساعت باز کنید، بعد شما شیر را باز کنید و بوری! ما هارفتیم، غافل شدیم؛ ده سال، پانزده سال، بعد حالا ما به گزارش می‌دهند که آقا جامعه ما در آینده نه چندان دوری، جامعه پیر خواهد شد؛ این چهره جوانی که امروز جامعه ایرانی دارد، از او گرفته خواهد شد. حد زاده و ولد چقدر است؟ چرا در بعضی از شهرهای بزرگ، خانه‌های مجر دی وجود دارد؟ این بیماری غربی چگونه در جامعه ما نفوذ کرده است؟ تجمل‌گرایی چیست؟ بد است؟ خوب است؟ چقدرش بد است؟ چقدرش خوب است؟ چه کار کنیم که از حد خوب فراتر نرود، به حد بد نرسد؟ این‌ها بخشهای گوناگونی از مسائل سبک زندگی است، و ده‌ها مسئله از این قبیل وجود دارد؛ که بعضی از این‌هایی که من گفتم، مهم‌تر است. این یک فهرستی است از آن تویتهایی که متن تمدن را تشکیل می‌دهد. قضاوت درباره یک تمدن، مبتنی بر این‌هاست.

نمی‌شود یک تمدن را به صرف این که ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد

نمی‌شود یک تمدن را به صرف این که ماشین دارد، صنعت دارد، ثروت دارد، قضاوت کرد و تحسین کرد؛ در حالی که در داخل آن، این مشکلات فراوان، سراسر جامعه و زندگی مردم را فرا گرفته. اصل این هاست؛ آن‌ها ابزارهای است برای این که این بخش تأمین شود، تا مردم احساس آسایش کنند، با امید زندگی کنند، با امنیت زندگی کنند، پیش بروند، حرکت کنند، تعالی انسانی مطلوب پیدا کنند.

هیچ ملتی که داعیه تمدن‌سازی دارد، بدون ایدئولوژی نمی‌تواند حرکت کند

در این جا یک مغلطاله وجود دارد، که من برای شما جوان‌ها عرض بکنم: چند تا فیلسوف‌نمای غربی عنوان «ایدئولوژی‌زدایی» را مطرح کردند. می‌بینید گاهی در بعضی از این مقالات و روشنفکری، عنوان «ایدئولوژی‌زدایی» مطرح می‌شود. آقا جامعه را با ایدئولوژی نمی‌شود اداره کرد. چند تا فیلسوف با فیلسوف‌نمای غربی این را گفته‌اند؛ یک عده‌ای هم این‌جا طوطی‌وار، بدون این که عمق این حرف را درک کنند، بدون این که ابعاد این حرف را بفهمند چیست، همان را تکرار کردند، با هم تکرار می‌کنند.



مارکو روبیو، وزیر خارجه آمریکا چند روز پیش در سخنانی در یونان، صریحاً به سابقه تمدنی ایران حمله کرد و عملاً از جنگ تمدنی با ایران پرده برداشت. در حالی که ترامپ در هشت ماه گذشته بارها تهدید به ناپودی تمدن ایران کرده است، وزیر خارجه‌اش هم در یونان، هخامنشیان را غارتگرانی مغرب و وحشی و دشمن تمدن خواند که یونان را به خاک و خون کشیدند؛ این اظهارات در حالی صورت گرفت که آمریکا در ادعایی دروغین و ریاکارانه همواره ادعای تفکیک میان دولت و ملت ایران را داشته است، اما این حمله به سابقه درخشان و کهن تمدنی، نقاب از چهره واقعی و پلید سیاست‌های آمریکا برداشت و نشان داد که هدف آن‌ها فراتر از مسائل سیاسی، تخریب هویت تاریخی ایرانیان است. آمریکایی‌ها که در طول سال‌های متمادی از طریق ابزارهای مختلف رسانه‌ای تلاش کرده بودند خود را به‌ظاهر طرفدار مردم ایران نشان دهند و بین مردم و حکومت ایران جدایی بیندازد، وقتی پس از جنگ ۱۲ روزه و جنگ رمضان، مقاومت و حمایت همه جانبه و جانانه مردم و ملت ایران را در حمایت از اسلام، ایران، انقلاب اسلامی و جغرافیای تمدنی این سرزمین کهن و تاریخی دیدند به یک باره از چهره نفاق و دورویی نقاب انداختند و مستقیماً گذشته و تاریخ و تمدن چندین هزار ساله ایران را نشانه گرفتند، به امید این که بتوانند افکار عمومی غرب و غرب پرستان را با خود همراه کنند تا به خیال خام خود، جامعه‌ای ضد ملت بزرگ ایران ایجاد کنند. غافل از این که با این اقدامات نسنجیده و خام خود، هم مردم دنیا را نسبت به تمدن کهن ایران بزرگ بیشتر آشنا و متفکران و اندیشمندان منتصف غربی را وادار به واکنش می‌کنند و هم باعث انسجام، وحدت، همبستگی و یک صدایی ایران دوستان و عاشقان جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور می‌شوند. اما این ایام از ۱۹ تا ۲۶ مهر هر ساله مصادف است با سالروز سفر پر خیر و برکت و تاریخی امام شهید انقلاب و قائد شهید جهان اسلام به استان خراسان شمالی، «سرزمین باب الرضا(ع) گنجینه فرهنگ‌ها و معرفت‌ها، که پس از ۱۴ سال همچنان آثار و برکات این سفر تاریخی در استان نمایان و ماندگار است. امام شهید انقلاب در آن سفر تاریخی، دیدارهای مهمی با اقشار مختلف مردم در شهرهای استان انجام دادند که یکی از این دیدارهای مهم و مؤثر، دیدار با جوانان استان خراسان شمالی در ۲۳ مهر ۱۳۹۱ در مصلای امام خمینی(ره) بخنود بود. امام شهید انقلاب در این دیدار، محور اصلی بیانات خود را بر محور پیشرفت جامعه اسلامی عنوان و بیان کردند که یکی از ابعاد پیشرفت با مفهوم اسلامی عبارت است از سبک زندگی کردن، رفتار اجتماعی و شیوه زیستن که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است. با توجه به تقارن این ایام با سفر پر خیر و برکت امام شهید انقلاب به استان خراسان شمالی و همچنین توهین آشکار مارکو روبیو، وزیر امور خارجه آمریکا به گذشته و تمدن کهن ایران عزیز، «احمد عارفخانی، قائم مقام صدا و سیماي خراسان شمالی، کارشناس حوزه گفتمان انقلاب اسلامی و نویسنده کتاب «اندیشه‌های سیاسی مقام معظم رهبری، به واکاوی و بازخوانی بیانات قائد شهید انقلاب با موضوع تمدن نوین اسلامی در دیدار جوانان خراسان شمالی در بخنود پرداخته است که تقدیم خوانندگان عزیز می‌شود.

هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است

ما اگر پیشرفت همه‌جانبه را به معنای تمدن‌سازی نوین اسلامی بگیریم – بالاخره یک مصداق عینی و خارجی برای پیشرفت با مفهوم اسلامی وجود دارد؛ اینچور بگوئیم که هدف ملت ایران و هدف انقلاب اسلامی، ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است؛ این محاسبه درستی است – این تمدن نوین دو بخش دارد: یک بخش، بخش ابزاری است؛ یک بخش دیگر، بخش متنی و اصلی و اساسی است. به هر دو بخش باید رسید.

بخش ابزاری تمدن چیست؟

این بخش ابزاری چیست؟ بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ، این‌ها همه بخش ابزاری تمدن است؛ وسیله است. البته ما در این بخش در کشور پیشرفت خوبی داشته‌ایم.

بخش حقیقی تمدن چیست؟

اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی است که عرض کردیم. این بخش، حقیقی و اصلی تمدن است؛ مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خد، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با م‌روس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نفاقت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه؛ این‌ها آن بخش‌های اصلی تمدن است، که متن زندگی انسان است.

عقل معاش در تمدن نوین اسلامی چیست؟

تمدن نوین اسلامی – آن چیزی که ما می‌خواهیم عرضه کنیم – در بخش اصلی، از این چیزها تشکیل می‌شود؛ این‌ها متن زندگی است، این همان چیزی است که در اصطلاح اسلامی می‌گویند: عقل معاش. عقل معاش، فقط به معنای پول در آوردن و پول خرج کردن نیست، که چگونه پول در بیاوریم، چگونه پول خرج کنیم؛ نه، همه این عرصه وسیعی که گفته شد، جزو عقل معاش است. در کتب حدیثی اصل و مهم ما ابوابی وجود دارد به نام کتاب العشره؛ آن کتاب العشره درباره همین چیزهاست. در خود قرآن کریم آیات فراوانی وجود دارد که ناظر به این چیزهاست.

بخش نرم‌افزاری تمدن اسلامی، متن زندگی است

خب، می‌شود این بخش را به منزله بخش نرم‌افزاری تمدن به حساب آورد؛ و آن بخش اول را، بخش‌های سخت‌افزاری به حساب آورد. اگر ما در این بخشی که متن زندگی است، پیشرفت نکنیم، همه پیشرفت‌هایی که در بخش اول کردیم، نمی‌تواند ما را رستگار کند؛ نمی‌تواند به ما امنیت و آرامش روانی ببخشد؛ همچنان که می‌بینید در دنیای غرب نتایج آن‌ها را جفا فردگی هست، ناامیدی هست، از درون به هم ریختن هست، عدم امنیت انسان‌ها در اجتماع و در خانواده هست، بی‌هدفی و پوچی هست؛ با این که ثروت هست، بمب است، بمب است، پیشرفت‌های گوناگون علمی هست، قدرت نظامی هم هست.

باید بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم

اصل قضیه این است که ما بتوانیم متن زندگی را، این بخش اصلی تمدن را اصلاح کنیم. البته در انقلاب، در این بخش، پیشرفت ما چشمگیر نیست؛ در این زمینه، ما مثل بخش اول حرکت نکردیم، پیشرفت نکردیم. خب، باید آسیب‌شناسی کنیم؛ چرا ما در این بخش پیشرفت نکردیم؟ بعد از آن که علت‌ها را پیدا کردیم، آن وقت بپردازیم به این که چگونه می‌توانیم این‌ها را علاج کنیم.

اصلاح بخش اصلی تمدن به عهده کیست

این‌ها به عهده کیست؟ به عهده نخبگان – نخبگان فکری، نخبگان سیاسی – به عهده شما، به عهده جوان‌ها. اگر در محیط اجتماعی ما گفتمانی به وجود بیاید که ناظر به رفع آسیب‌ها در این زمینه باشد، می‌توان مطمئن بود با نشاطی که نظام جمهوری اسلامی و ملت ایران دارند، با استعدادی که وجود دارد، ما در این بخش پیشرفت‌های خوبی خواهیم کرد؛ آن وقت درخشندگی ملت ایران در دنیا و گسترش اندیشه اسلامی ملت ایران و انقلاب اسلامی ایران در دنیا آسان‌تر خواهد شد. باید آسیب‌شناسی کنید و بعد علاج کنید. نخبگان موظفند، حوزه موظف است، دانشگاه‌ها موظف است، رسانه‌ها موظفند، تربیون‌دارها موظفند؛ مدیران بسیاری از دستگاه‌ها، به خصوص دستگاه‌هایی که با فرهنگ تربیت و تعلیم سرو کار دارند، موظفند؛ کسانی که برای دانشگاه‌ها یا برای مدارس برنامه‌ریزی آموزشی می‌کنند، در این زمینه موظفند؛ کسانی که سر فصل‌های آموزشی را برای کتاب‌های درسی تعیین می‌کنند، موظفند. این‌ها همه یک وظیفه‌ای است بر دوش همه. باید ما همگی به خودمان نهیب بزنیم. در این زمینه باید کار کنیم، حرکت کنیم.

باید در حوزه تمدن آسیب‌شناسی کنیم

بنابراین باید آسیب‌شناسی کنیم؛ یعنی توجه به آسیب‌هایی که در این زمینه وجود دارد و جست و جو از علل این آسیب‌ها. البته ما اینجا نمی‌خواهیم مسئله را تمام‌شده فرض